

بررسی رابطه تعارضات زناشویی با پنج عامل اصلی شخصیت در دانشجویان متأهل

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳

تاریخ چاپ اولیه: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تعارضات زناشویی با پنج عامل اصلی شخصیت در میان دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی استان قم بود. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی استان قم بود که تعداد آنها ۸۵۰ نفر گزارش شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر برآورد شد و با در نظر گرفتن ریزش احتمالی، ۲۷۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه پنج عاملی شخصیت NEO-FFI و پرسشنامه تعارضات زناشویی MCQ-R بود. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره سلسله‌مراتبی در نرم‌افزار SPSS-24 استفاده شد. معیارهای ورود شامل رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش و معیارهای خروج شامل تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها و انصراف از ادامه همکاری بود. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که روان‌رنجورخویی با تعارضات زناشویی رابطه مثبت و معنادار داشت، در حالی که برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی با تعارضات زناشویی رابطه منفی و معنادار نشان دادند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که روان‌رنجورخویی به صورت مثبت ($\beta=0.133, p<0.05$) و توافق‌پذیری ($\beta=-0.302, p<0.01$) و وظیفه‌شناسی ($\beta=-0.179, p<0.01$) به صورت منفی توانستند تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کنند. مدل رگرسیونی نهایی حدود ۴۰ درصد از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین کرد ($R^2=0.404$). یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی نقش مهمی در کیفیت روابط زناشویی و میزان تعارضات میان زوجین دارند. روان‌رنجورخویی می‌تواند احتمال بروز تعارضات زناشویی را افزایش دهد، در حالی که توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به عنوان عوامل محافظتی در کاهش تعارضات عمل می‌کنند. بنابراین توجه به ویژگی‌های شخصیتی در مشاوره‌های پیش از ازدواج، برنامه‌های آموزشی خانواده و مداخلات روان‌شناختی می‌تواند در ارتقای سلامت خانواده و کاهش تعارضات زناشویی مؤثر باشد.

کلیدواژگان: تعارضات زناشویی، پنج عامل شخصیت، روان‌رنجورخویی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی،

دانشجویان متأهل

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری



فاطمه شهرابی فراهانی*

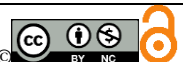
۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، واحد قم،

دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول:

shahrabi.2076@gmail.com

شیوه استناددهی: شهرابی فراهانی، فاطمه. (۱۴۰۵). بررسی رابطه تعارضات زناشویی با پنج عامل اصلی شخصیت در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی استان قم. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*, ۴(۵), ۱-۱۴.



Studying the Relationship between Marital Conflicts and the Five Main Personality Factors of Married Students at Islamic Azad University in Qom Province

Submit Date:
2026-01-03

Revise Date:
2026-05-06

Accept Date:
2026-05-13

Initial Publish Date:
2026-05-26

Final Publish Date:
2026-11-22

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between marital conflicts and the five major personality factors among married students of Islamic Azad University in Qom Province. This study employed a descriptive-correlational design. The statistical population consisted of all married students of Islamic Azad University in Qom Province, totaling 850 individuals. Based on Cochran's formula, the sample size was estimated at 250 participants; considering possible attrition, 270 participants were selected through convenience sampling. Data collection instruments included the NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) and the Marital Conflict Questionnaire (MCQ-R). Pearson correlation coefficient and hierarchical multivariate regression analyses were conducted using SPSS-24 software. Inclusion criteria included willingness to participate in the study, while exclusion criteria involved incomplete questionnaires or withdrawal from participation. The correlational findings indicated that neuroticism had a significant positive relationship with marital conflicts, whereas extraversion, agreeableness, and conscientiousness showed significant negative relationships with marital conflicts. Multivariate regression analysis further demonstrated that neuroticism positively predicted marital conflicts ($\beta=0.133$, $p<0.05$), while agreeableness ($\beta=-0.302$, $p<0.01$) and conscientiousness ($\beta=-0.179$, $p<0.01$) negatively predicted marital conflicts. The final regression model explained approximately 40% of the variance in marital conflicts ($R^2=0.404$). The findings suggest that personality traits play a significant role in marital relationship quality and the level of conflict between spouses. Neuroticism may increase the likelihood of marital conflicts, whereas agreeableness and conscientiousness function as protective factors that reduce relational tensions. Therefore, consideration of personality characteristics in premarital counseling, family education programs, and psychological interventions may contribute to strengthening family functioning and reducing marital conflicts.

Keywords: *Marital conflicts, five-factor personality traits, neuroticism, agreeableness, conscientiousness, married students*

HEALTH PSYCHOLOGY
AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری



Fateme Shahrabi Farahani^{1*}

1. Master's Degree in Family Counseling, Department of Counseling, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran

*Corresponding Author's Email:
shahrabi.2076@gmail.com

How to cite: Shahrabi Farahani, F. (2026). Studying the Relationship between Marital Conflicts and the Five Main Personality Factors of Married Students at Islamic Azad University in Qom Province. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 4(5), 1-14.



ازدواج به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی و انسانی، نقش اساسی در شکل‌گیری سلامت روانی، ثبات اجتماعی و رشد عاطفی افراد ایفا می‌کند. خانواده به واسطه پیوند زناشویی ایجاد می‌شود و کیفیت روابط زوجین تأثیر مستقیمی بر سلامت فردی، تربیت فرزندان و انسجام اجتماعی دارد. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که رضایت زناشویی و کیفیت مطلوب روابط زوجین با شاخص‌هایی همچون سلامت روان، بهزیستی روان‌شناختی، رضایت از زندگی و حتی سلامت جسمانی ارتباط معنادار دارد (Karney & Bradbury, 2020; Kasapoglu & Yabanigul, 2023). در مقابل، روابط زناشویی ناسالم و تعارض‌آمیز می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای زوجین و سایر اعضای خانواده به همراه داشته باشد. تعارضات زناشویی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده ثبات خانواده محسوب می‌شوند و در صورت مزمن شدن می‌توانند به فرسودگی زناشویی، طلاق عاطفی، کاهش صمیمیت و حتی فروپاشی خانواده منجر شوند (Hawkins & Booth, 2023; Rezaei et al., 2023). در واقع، کیفیت رابطه زناشویی نه تنها یک مسئله فردی بلکه یک موضوع اجتماعی و فرهنگی مهم به شمار می‌رود که توجه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی، مشاوره و علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است.

تعارض زناشویی پدیده‌ای چندبعدی است که در نتیجه اختلاف نظرها، ناتوانی در حل مسئله، ناسازگاری هیجانی و ضعف در مهارت‌های ارتباطی میان زوجین شکل می‌گیرد. اگرچه وجود اختلاف در روابط زناشویی امری طبیعی تلقی می‌شود، اما زمانی که این تعارضات به صورت مزمن و حل‌نشده باقی بمانند، آثار منفی گسترده‌ای بر سلامت روانی و عملکرد خانواده بر جای می‌گذارد (Papp, 2021). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تعارضات زناشویی با افسردگی، اضطراب، کاهش عزت نفس، کاهش رضایت از زندگی و افت کیفیت تعاملات عاطفی همراه است (Hibel & Mercado, 2020; Saffarinia et al., 2022). علاوه بر این، آثار تعارضات زناشویی تنها محدود به زوجین نیست، بلکه فرزندان خانواده نیز از این وضعیت آسیب می‌بینند. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تعارضات شدید میان والدین می‌تواند منجر به مشکلات هیجانی، اضطراب درونی‌سازی شده و اختلال در رشد اجتماعی فرزندان شود (Khaninzadeh et al., 2023; Khurshid et al., 2022). از این رو، شناخت عوامل مؤثر بر تعارضات زناشویی می‌تواند زمینه مناسبی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی فراهم آورد.

یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، ویژگی‌های شخصیتی زوجین است. شخصیت مجموعه‌ای از الگوهای نسبتاً پایدار هیجانی، شناختی و رفتاری است که نحوه تعامل فرد با محیط و دیگران را تعیین می‌کند. ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند در چگونگی شکل‌گیری روابط بین‌فردی، نحوه مقابله با فشارهای روانی و سبک حل تعارض نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند (Sharifi et al., 2021; Tisu et al., 2020). در میان نظریه‌های شخصیت، مدل پنج عاملی شخصیت یکی از جامع‌ترین و معتبرترین الگوها محسوب می‌شود که شخصیت را در پنج بعد اصلی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی تبیین می‌کند. این ابعاد شخصیتی می‌توانند کیفیت روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند و در شکل‌گیری یا کاهش تعارضات نقش داشته باشند (Buelow & Cayton, 2020). برای مثال، افراد دارای روان‌رنجورخویی بالا معمولاً هیجانات منفی بیشتری تجربه می‌کنند، حساس‌تر هستند و در مواجهه با فشارهای روانی واکنش‌های شدیدتری نشان می‌دهند؛ در حالی که افراد توافق‌پذیر و وظیفه‌شناس معمولاً تعاملات مثبت‌تر، همکاری بیشتر و توانایی بالاتری در مدیریت تعارض دارند.

مطالعات متعددی رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایت یا تعارض زناشویی را بررسی کرده‌اند. نتایج فراتحلیل انجام شده توسط سایه‌میری و همکاران نشان داد که ویژگی‌هایی نظیر توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند، در حالی که روان‌رنجورخویی با نارضایتی و تعارض زناشویی مرتبط است (Sayehmiri et al., 2020). پژوهش گل‌زاده و همکاران نیز نشان داد که صفات پنج‌گانه شخصیت می‌توانند پیش‌بینی‌کننده مهمی برای کیفیت رابطه زناشویی باشند (Golizadeh et al., 2019). همچنین عبدالله‌زاده گزارش کرد که ویژگی‌های شخصیتی زوجین تأثیر قابل توجهی بر رضایت زناشویی آنان دارد (Abdollah Zadeh, 2023). کشاورز و علوی نیز در پژوهش خود دریافتند که سازگاری زناشویی زنان و مردان با ویژگی‌های شخصیتی آنان ارتباط معنادار دارد (Keshavarz & Alavi, 2023). افزون

بر این، شیخ‌زین‌الدین و همکاران نشان دادند که سرمایه روان‌شناختی می‌تواند در رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و سازگاری زناشویی نقش میانجی ایفا کند (Sheikh Zeineddin et al., 2018). این یافته‌ها نشان می‌دهند که شخصیت یکی از مؤلفه‌های کلیدی در کیفیت روابط زوجین محسوب می‌شود.

با وجود این، تعارضات زناشویی تنها حاصل ویژگی‌های فردی نیستند، بلکه تحت تأثیر تعاملات هیجانی و الگوهای ارتباطی زوجین نیز قرار دارند. پژوهش رضایی و همکاران نشان داد که نحوه تعاملات عاطفی زوجین نقش مهمی در شکل‌گیری طلاق عاطفی و گرایش به طلاق دارد (Rezaei et al., 2023). همچنین طبقه‌بندی و قه‌درجانی گزارش کردند که نابهنجاری‌های روان‌شناختی و تعاملات هیجانی نامناسب می‌توانند تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی را تشدید کنند (Tabaghdehi & Ghahderijani, 2025). در همین راستا، جو‌قرتیان و همکاران بیان کردند که تنظیم هیجان در رابطه میان تمایز یافتگی خود و تعارضات زناشویی نقش واسطه‌ای دارد (Joqratian et al., 2026). این یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی از طریق تأثیرگذاری بر شیوه تنظیم هیجان، نحوه تعامل و مهارت‌های ارتباطی می‌توانند در تعارضات زناشویی مؤثر باشند.

از سوی دیگر، برخی مطالعات نشان داده‌اند که کیفیت رابطه زناشویی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و معنوی نیز قرار دارد. کاساپوگلو و یابانیگول دریافتند که معنویت می‌تواند از طریق افزایش رضایت از زندگی، کیفیت رابطه زناشویی را ارتقا دهد (Kasapoglu & Yabanigul, 2023). همچنین ژانگ و لیانگ نشان دادند که سطح تحصیلات می‌تواند بر رضایت زناشویی اثرگذار باشد (Zhang & Liang, 2023). صداقت و مهدی‌پور نیز عوامل متعددی نظیر حمایت عاطفی، انسجام خانواده و مهارت‌های ارتباطی را در استحکام خانواده مؤثر دانسته‌اند (Sedagat & Mahdi Pour, 2024). این مطالعات بیانگر آن هستند که تعارضات زناشویی پدیده‌ای پیچیده و چندعاملی است که نیازمند بررسی جامع و چندبعدی می‌باشد.

در سال‌های اخیر، مداخلات درمانی متعددی برای کاهش تعارضات زناشویی و ارتقای کیفیت روابط زوجین طراحی شده‌اند. پژوهش مصباحی و همکاران نشان داد که زوج‌درمانی آدلری و زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر سیستمی می‌توانند انعطاف‌پذیری شناختی، سازگاری و کیفیت روابط زناشویی زوج‌های دارای تعارض را بهبود بخشند (Mesbahi et al., 2026). همچنین زاهدی گزارش کرد که مشاوره مبتنی بر شفقت می‌تواند صمیمیت زناشویی زوج‌های دارای تعارض را افزایش دهد (Zahedi, 2019). این یافته‌ها نشان می‌دهند که شناخت عوامل زمینه‌ساز تعارضات زناشویی، به ویژه ویژگی‌های شخصیتی، می‌تواند در طراحی مداخلات درمانی مؤثر واقع شود.

دانشجویان متأهل یکی از گروه‌هایی هستند که به دلیل فشارهای تحصیلی، اقتصادی و اجتماعی ممکن است در معرض تعارضات زناشویی بیشتری قرار گیرند. این افراد علاوه بر مسئولیت‌های خانوادگی، با چالش‌های آموزشی و شغلی نیز مواجه هستند که می‌تواند کیفیت روابط زناشویی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. موسوی در بررسی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی نشان داد که شرایط شغلی و فشارهای روانی می‌توانند بر کیفیت روابط زوجین اثرگذار باشند (Mosavi, 2022). همچنین علیرضایی و همکاران نقش اخلاق کاری و عملکرد فردی را در کیفیت تعاملات اجتماعی برجسته دانسته‌اند (Alirezaei et al., 2022). از این رو، بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در تعارضات زناشویی دانشجویان متأهل می‌تواند به درک بهتر مشکلات این قشر و ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود کیفیت زندگی آنان کمک کند.

با توجه به اهمیت خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، پیامدهای گسترده تعارضات زناشویی بر سلامت فردی و اجتماعی، و نقش بالقوه ویژگی‌های شخصیتی در کیفیت روابط زوجین، بررسی رابطه تعارضات زناشویی با پنج عامل اصلی شخصیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های متعددی به بررسی رضایت زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی پرداخته‌اند، اما همچنان نیاز به پژوهش‌هایی وجود دارد که این متغیرها را در جمعیت‌های خاصی مانند دانشجویان متأهل مورد بررسی قرار دهند. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تعارضات زناشویی با پنج عامل اصلی شخصیت در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی استان قم بود.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی استان قم است. حجم نمونه با در نظر گرفتن احتمال ریزش، ۲۷۰ نفر انتخاب شدند که این تعداد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه شامل رضایت از شرکت در پژوهش و معیارهای خروج از مطالعه شامل پرکردن ناقص پرسشنامه و منصرف شدن از شرکت در پژوهش بود. برای انتخاب حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید که با استفاده از این فرمول ۲۵۰ نفر و با احتمال ریزش ۲۷۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، از نوع ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره برای آزمون فرضیه‌ها در نرم افزار spss-24 استفاده گردید.

۱. پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (NEO-FFI): پرسش نامه ویژگی‌های شخصیتی NEO-FFI که برای نخستین بار در سال (۱۹۸۵) توسط مک کری و کاستا ساخته شده و در سال (۱۹۹۲) مورد بررسی مجدد قرار گرفت که در آن پنج عامل بزرگ شخصیت شامل فراخ ذهنی O، روان رنجور خوبی N، برونگرایی E، خوشایندی (توافق) A و وجدانی بودن بودن C اندازه‌گیری می‌گردد (مک کری و کاستا، ۱۹۹۲). این پرسش نامه شامل ۶۰ گویه و در شمار پرسش نامه‌های بسته پاسخ است و برای هر عامل، ۱۲ ماده وجود دارد. پاسخ دهی به این آیتم‌ها در قالب مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً موافقم، موافق، نظری ندارم، مخالف، کاملاً مخالف) امکان پذیر است. روش نمره گذاری به صورت ۰، ۱، ۲، ۳، ۴ (با در نظر گرفتن گویه‌های منفی) می‌باشد.

مک کری و کاستا این آزمون را بر روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه اجرا کردند و ضریب پایایی برای پنج عامل C, A, O, E, N به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ به دست آمده است. مک کری و کاستا (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای که به منظور تجدید نظر در پرسش نامه NEO-FFI بر روی ۱۴۹۲ نفر از افراد بزرگسال انجام دادند، ضریب آلفا کرونباخ C, A, O, E, N را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۶۹، ۰/۷۹ گزارش کردند. در تحقیقی که توسط روشن و همکاران (۱۳۸۵) با موضوع بررسی ویژگی روانسنجی پرسش نامه شخصیتی ۵ عامل نئو بر روی ۶۰۴ نفر از دانشجویان شاهد، امیر کبیر و تهران انجام شد، پایایی پرسش نامه نئو را به ترتیب C=0/81, A=0/55, O=0/35، استفاده شد. ضرایب پایایی فاکتورهای مختلف پرسش نامه از ۰/۵۸ تا ۰/۷۱ نوسان دارد و نشانگر ضریبی مطلوب برای این پرسش نامه است.

۲. پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ-R):^۳ ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۸۷) با هدف سنجیدن هفت بعد اصلی تعارضات زوجین این پرسشنامه را تدوین کردند. پرسشنامه شامل ۴۲ پرسش بوده بر مبنای تجربیات بالینی استاد راهنمای پژوهش ساخته شده است. این ابزار هفت جنبه یا هفت بعد از تعارضات زناشویی کاهش همکاری (سؤالات ۳، ۲۷، ۲۱، ۱۹، ۹)، کاهش رابطه جنسی (سؤالات ۴، ۱۰، ۱۵، ۲۸، ۳۳)، افزایش واکنش‌های هیجانی (سؤالات ۵، ۱۱، ۱۶، ۲۲، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۱)، افزایش جلب حمایت فرزند (سؤالات ۷، ۱۸، ۲۴، ۳۱، ۳۶)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود (سؤالات ۶، ۱۲، ۱۷، ۲۳، ۳۰، ۳۵)، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان (سؤالات ۱ و ۱۹، ۲۵، ۳۷، ۴۰، ۴۲)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر (سؤالات ۲، ۸، ۱۳، ۲۰، ۲۶، ۳۲، ۳۸) را اندازه می‌گیرد (ثنایی، ۱۳۸۹). پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل مواد آزمون پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر پرسش با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، ۱۳ پرسش از ۵۵ پرسش اولیه حذف شده است (ثنایی، ۱۳۸۹). در پژوهش خزایی (۱۳۸۵) نمرات تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارضات زناشویی در سطح ۰/۱ همبستگی معناداری داشتند. دهقان در تحقیق خود برای هنجاریابی پرسشنامه تعارضات زناشویی روی یک گروه ۳۰ نفری بررسی انجام داده و از روش آلفای کرونباخ برای کل

1. NEO FIVE- factor inventory

2 McCrae & Costa

3 Marital Conflict Questionnaire Revised

پرسشنامه ۰/۷۱ و برای هفت مؤلفه آن به ترتیب کاهش همکاری ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹ به دست آمده است.

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب آلفای کرونباخ صفات شخصیت (روان رنجورخویی، برونگرایی، گشودگی، توافق پذیری و وظیفه شناسی) و تعارضات زناشویی محاسبه و در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
شخصیت- روان رنجورخویی	۲۲/۷۴	۴/۴۶	۰/۶۷
شخصیت- برونگرایی	۲۸/۲۱	۷/۸۶	۰/۷۳
شخصیت- گشودگی	۲۲/۰۸	۵/۹۱	۰/۶۶
شخصیت- توافق پذیری	۲۵/۱۹	۶/۸۷	۰/۷۸
شخصیت- وظیفه شناسی	۲۹/۷۱	۷/۱۴	۰/۷۳
تعارضات زناشویی	۸۶/۵۳	۱۳/۹۶	۰/۹۲

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، همچنان که ملاحظه می‌شود ضرایب آلفای کرونباخ همه مؤلفه‌ها نزدیک به یا بالاتر از ۰/۷ است. این یافته بیانگر آن است که ابزارهای به کار گرفته شده برای سنجش متغیرهای پژوهش حاضر از همسانی درونی قابل قبولی برخوردارند.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
شخصیت- روان رنجورخویی	۰/۴۷**	-۰/۳۶**	-۰/۰۸	-	-	-	-	-	-
شخصیت- برونگرایی	-۰/۱۴*	۰/۳۲**	-۰/۳۱**	-۰/۰۹	-	-	-	-	-
شخصیت- گشودگی	-۰/۲۱**	۰/۴۴**	-۰/۰۹	-۰/۴۰**	۰/۲۸**	-	-	-	-
شخصیت- توافق پذیری	-۰/۲۶**	۰/۱۰	-۰/۰۴	-۰/۱۸**	۰/۳۳**	۰/۱۱	-	-	-
شخصیت- وظیفه شناسی	-۰/۳۲**	۰/۳۸**	-۰/۱۶*	-۰/۲۵**	۰/۳۹**	۰/۲۳**	۰/۱۶**	-	-
تعارضات زناشویی	۰/۴۳**	-۰/۲۴**	۰/۰۸	۰/۳۴**	-۰/۱۴*	-۰/۴۱**	-۰/۲۷**	-۰/۳۹**	-

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

همچنان که در جدول ۲ دیده می‌شود، از بین صفات شخصیت روان رنجورخویی به صورت مثبت و دیگر صفات شخصیت به صورت منفی و معنادار با تعارضات زناشویی همبسته بودند.

جدول ۳. رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی در پیش بینی تعارضات زناشویی با صفات شخصیت

متغیرهای گام اول (صفات شخصیت)	b	SE	β	t	سطح معناداری
روان رنجورخویی	۰/۵۳۶	۰/۲۳۳	۰/۱۳۳	۲/۳۱	۰/۰۲۲
برونگرایی	-۰/۳۸۸	۰/۲۲۹	-۰/۱۰۵	-۱/۶۹	۰/۰۹۲
گشودگی	۰/۲۱۳	۰/۲۳۸	۰/۰۷۰	۰/۸۹	۰/۳۷۳
توافق پذیری	-۰/۹۱۲	۰/۱۶۳	-۰/۳۰۲	-۵/۶۰	۰/۰۰۱
وظیفه شناسی	-۰/۸۰۰	۰/۲۸۸	-۰/۱۷۹	-۲/۷۷	۰/۰۰۶
$R^2 = 0.404$ و $adj R^2 = 0.387$					$F(8, 256) = 20.92, P < 0.001$ $\Delta F = 8.27, P = 0.001$

براساس نتایج جدول ۳. از بین صفات شخصیت، روان رنجورخویی ($\beta=0/133, p<0/05$) به صورت مثبت و در سطح معناداری $0/05$ و توافق پذیری ($\beta=-0/302, p<0/01$) و وظیفه شناسی ($\beta=-0/179, p<0/01$) به صورت منفی و در سطح معناداری $0/01$ تعارضات زناشویی را پیش بینی می کند. بدین ترتیب در آزمون فرضیه دوم چنین نتیجه گیری شد که از بین صفات شخصیت، روان رنجورخویی به صورت مثبت و توافق پذیری و وظیفه شناسی به صورت منفی و معنادار تعارضات زناشویی را پیش بینی می کند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از میان پنج عامل اصلی شخصیت، روان رنجورخویی رابطه مثبت و معناداری با تعارضات زناشویی دارد، در حالی که توافق پذیری و وظیفه شناسی رابطه ای منفی و معنادار با تعارضات زناشویی نشان دادند. همچنین یافته های رگرسیون چندمتغیره نشان داد که روان رنجورخویی می تواند تعارضات زناشویی را به صورت مثبت پیش بینی کند و توافق پذیری و وظیفه شناسی نقش پیش بینی کننده منفی در تعارضات زناشویی دارند. این یافته ها نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی نقش مهمی در کیفیت تعاملات زوجین و چگونگی مدیریت تنش ها و اختلافات زناشویی ایفا می کنند و می توانند در ایجاد یا کاهش تعارضات میان همسران مؤثر باشند.

یافته مربوط به رابطه مثبت روان رنجورخویی با تعارضات زناشویی با نتایج مطالعات متعددی همسو است (Abdollah Zadeh, 2023; Golizadeh et al., 2019; Keshavarz & Alavi, 2023; Sayehmiri et al., 2020). افراد دارای روان رنجورخویی بالا معمولاً مستعد تجربه هیجان های منفی نظیر اضطراب، خشم، ناامیدی و تحریک پذیری هستند و در موقعیت های تنش زا واکنش های شدیدتری نشان می دهند. چنین افرادی غالباً توانایی کمتری در کنترل هیجان ها و حل مسئله دارند و در هنگام بروز اختلافات زناشویی از شیوه های مقابله ای ناکارآمد استفاده می کنند. این مسئله موجب می شود اختلافات کوچک نیز به سرعت تشدید شده و به تعارضات گسترده تر تبدیل شوند. در واقع، روان رنجورخویی باعث می شود افراد موقعیت های عادی زندگی زناشویی را تهدیدآمیز تفسیر کنند و در روابط خود حساسیت بیش از اندازه نشان دهند. همین امر می تواند چرخه ای از سوءبرداشت، سرزنش و ناکامی را در رابطه زوجین ایجاد کند.

یافته های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش کارنی و برادبری نیز همسو است که نشان دادند کیفیت روابط زناشویی تحت تأثیر ویژگی های فردی و شیوه واکنش افراد به فشارهای زندگی قرار دارد (Karney & Bradbury, 2020). افرادی که روان رنجورخویی بالاتری دارند، هنگام مواجهه با مشکلات زندگی مشترک بیشتر دچار آشفتگی هیجانی می شوند و نمی توانند تعارضات را به شیوه ای منطقی مدیریت کنند. این وضعیت در بلندمدت باعث کاهش رضایت زناشویی و افزایش تعارضات می شود. همچنین هاوکینز و بوث نشان دادند که ازدواج های تعارض آمیز و کم کیفیت آثار منفی قابل توجهی بر سلامت روان و بهزیستی افراد دارند (Hawkins & Booth, 2023). بنابراین می توان استنباط کرد که ویژگی های شخصیتی ناسازگار، به ویژه روان رنجورخویی، نه تنها بر روابط زناشویی بلکه بر سلامت کلی فرد و خانواده نیز تأثیر منفی دارند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که توافق پذیری با تعارضات زناشویی رابطه منفی دارد. این یافته با مطالعات پیشین همخوانی دارد (Golizadeh et al., 2018; Sayehmiri et al., 2020; et al., 2019). افراد توافق پذیر معمولاً دارای ویژگی هایی نظیر همدلی، انعطاف پذیری، همکاری، گذشت و توجه به نیازهای دیگران هستند. این افراد در تعاملات زناشویی تلاش می کنند اختلافات را از طریق گفت و گو، مصالحه و درک متقابل حل کنند و کمتر به رفتارهای خصمانه یا پرخاشگرانه متوسل می شوند. در نتیجه، سطح تعارضات در روابط آنان پایین تر است. توافق پذیری موجب می شود زوجین نگرش مثبت تری نسبت به یکدیگر داشته باشند و هنگام بروز مشکلات، به جای سرزنش و مقابله، به دنبال حفظ رابطه و کاهش تنش باشند.

در تبیین این یافته می توان بیان کرد که توافق پذیری با مهارت های ارتباطی مؤثر و حمایت هیجانی رابطه دارد. رضایی و همکاران نشان دادند که کیفیت تعاملات عاطفی زوجین نقش تعیین کننده ای در جلوگیری از طلاق عاطفی و افزایش رضایت زناشویی دارد (Rezaei et al., 2023). افرادی که از توافق پذیری بالاتری برخوردارند، توانایی بیشتری در ابراز محبت، گوش دادن فعال و همدلی دارند و همین مسئله موجب

تقویت صمیمیت و کاهش سوء تفاهم‌ها در زندگی مشترک می‌شود. افزون بر این، جو قرتیان و همکاران نشان دادند که تنظیم هیجان می‌تواند در رابطه میان ویژگی‌های فردی و تعارضات زناشویی نقش واسطه‌ای ایفا کند (Joqratian et al., 2026). افراد توافق‌پذیر معمولاً تنظیم هیجان بهتری دارند و در هنگام تعارض کمتر رفتارهای تکانشی نشان می‌دهند؛ بنابراین احتمال تشدید اختلافات در آنان کمتر است.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، رابطه منفی وظیفه‌شناسی با تعارضات زناشویی بود. این یافته با نتایج مطالعات پیشین همسو است (Abdollah Zadeh, 2023; Golizadeh et al., 2019; Keshavarz & Alavi, 2023). افراد وظیفه‌شناس معمولاً مسئولیت‌پذیر، منظم، متعهد و قابل اعتماد هستند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که آنان نسبت به وظایف خانوادگی و نیازهای همسر خود توجه بیشتری نشان دهند و در حفظ ثبات و کیفیت رابطه تلاش کنند. چنین افرادی در هنگام بروز مشکلات زناشویی به جای اجتناب یا رفتارهای هیجانی، رویکردی منطقی و برنامه‌ریزی شده اتخاذ می‌کنند و در حل تعارضات فعالانه مشارکت دارند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که وظیفه‌شناسی با خودکنترلی و توانایی مدیریت رفتار ارتباط نزدیکی دارد. افرادی که از این ویژگی برخوردارند، کمتر رفتارهای تکانشی و آسیب‌زا از خود نشان می‌دهند و در تعاملات زناشویی پایبندی بیشتری به اصول اخلاقی و مسئولیت‌های خانوادگی دارند. تی‌سو و همکاران بیان کردند که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند بر سلامت روان و عملکرد افراد تأثیر بگذارند (Tisu et al., 2020). بنابراین، وظیفه‌شناسی بالا می‌تواند از طریق افزایش ثبات هیجانی، مسئولیت‌پذیری و نظم رفتاری، احتمال بروز تعارضات زناشویی را کاهش دهد.

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که برون‌گرایی و گشودگی به تجربه رابطه معناداری با تعارضات زناشویی نداشتند. اگرچه برخی مطالعات پیشین وجود رابطه میان این ابعاد شخصیتی و کیفیت روابط زناشویی را گزارش کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد تأثیر این ویژگی‌ها نسبت به روان‌رنجورخویی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی ضعیف‌تر باشد (Sayehmiri et al., 2020). ممکن است در جامعه مورد مطالعه، عوامل فرهنگی، اقتصادی و فشارهای تحصیلی نقش پررنگ‌تری در تعارضات زناشویی داشته باشند و اثر ویژگی‌هایی نظیر برون‌گرایی و گشودگی را تحت‌الشعاع قرار دهند. همچنین باید توجه داشت که روابط زناشویی پدیده‌ای چندبعدی است و تنها بر اساس ویژگی‌های شخصیتی قابل تبیین نیست.

پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که تعارضات زناشویی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، هیجانی و اجتماعی قرار دارند. طبقه‌بندی و قهدرجانی نشان دادند که ناهنجاری‌های روان‌شناختی و ضعف در تعاملات هیجانی می‌توانند زمینه‌ساز طلاق عاطفی شوند (Tabaghdehi & Ghahderijani, 2025). همچنین مصباحی و همکاران بیان کردند که مداخلات زوج‌درمانی می‌توانند انعطاف‌پذیری شناختی و سازگاری زوجین را افزایش دهند و کیفیت روابط زناشویی را بهبود بخشند (Mesbahi et al., 2026). این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه ویژگی‌های شخصیتی نقش مهمی در تعارضات زناشویی دارند، اما آموزش مهارت‌های ارتباطی، تنظیم هیجان و حل مسئله می‌تواند تا حد زیادی اثرات منفی برخی ویژگی‌های شخصیتی را کاهش دهد.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر اهمیت توجه به خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی را برجسته می‌سازد. صداقت و مهدی‌پور بر نقش انسجام خانوادگی، حمایت عاطفی و تعاملات مثبت در استحکام خانواده تأکید کرده‌اند (Sedagat & Mahdi Pour, 2024). همچنین کاساپوگلو و یابانیگول نشان دادند که معنویت و رضایت از زندگی می‌توانند به بهبود کیفیت روابط زناشویی کمک کنند (Kasapoglu & Yabanigul, 2023). بنابراین، تقویت عوامل محافظتی نظیر مهارت‌های ارتباطی، حمایت اجتماعی و معنویت می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی و ارتقای سلامت خانواده مؤثر باشد.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با تعارضات زناشویی هستند. روان‌رنجورخویی به عنوان یک عامل خطر و توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به عنوان عوامل محافظتی در روابط زناشویی عمل می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شناخت ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌تواند در فرایند مشاوره پیش از ازدواج، زوج‌درمانی و برنامه‌های آموزشی خانواده اهمیت فراوانی داشته

باشد. توجه به تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌تواند به مشاوران و درمانگران کمک کند تا مداخلات دقیق‌تر و مؤثرتری برای کاهش تعارضات زناشویی طراحی کنند.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که جامعه آماری تنها شامل دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی استان قم بود و بنابراین تعمیم نتایج به سایر گروه‌های اجتماعی باید با احتیاط انجام شود. همچنین استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی و تمایل افراد به ارائه تصویری مطلوب از خود قرار گرفته باشد. علاوه بر این، ماهیت مقطعی پژوهش امکان بررسی روابط علی میان متغیرها را محدود می‌کند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده این موضوع را در گروه‌های سنی، فرهنگی و اجتماعی مختلف بررسی کنند تا امکان مقایسه نتایج فراهم شود. همچنین استفاده از طرح‌های طولی و روش‌های کیفی می‌تواند درک عمیق‌تری از نقش ویژگی‌های شخصیتی در تعارضات زناشویی ارائه دهد. بررسی نقش متغیرهای میانجی مانند تنظیم هیجان، سبک‌های دلبستگی، حمایت اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی نیز می‌تواند به غنای ادبیات پژوهش کمک کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، توصیه می‌شود مراکز مشاوره خانواده و مشاوران پیش از ازدواج به ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی زوجین توجه ویژه‌ای داشته باشند. طراحی برنامه‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های ارتباطی، کنترل هیجان، حل تعارض و افزایش همدلی می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی مؤثر باشد. همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای دانشجویان متأهل و ارائه خدمات مشاوره‌ای در دانشگاه‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت روابط زناشویی و پیشگیری از آسیب‌های خانوادگی کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازين اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازين و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Marriage is considered one of the most fundamental social institutions and plays a significant role in psychological well-being, social stability, and emotional development. The quality of marital relationships directly influences family functioning, life satisfaction, and mental health among couples (Karney & Bradbury, 2020; Kasapoglu & Yabanigul, 2023). Successful marital relationships are associated with emotional security, psychological adjustment, and higher levels of life satisfaction, whereas chronic marital conflicts can negatively affect spouses and other family members. Marital conflict has been identified as one of the major threats to family stability and is associated with emotional distress, marital burnout, emotional divorce, and reduced intimacy between couples (Hawkins & Booth, 2023; Rezaei et al., 2023). Researchers have increasingly emphasized that unresolved conflicts may gradually weaken emotional bonds and lead to long-term dissatisfaction within marriage.

Marital conflicts not only influence the psychological well-being of couples but also affect children and the overall family environment. Studies have demonstrated that exposure to parental marital conflict may contribute to emotional insecurity, internalizing problems, anxiety, and social maladjustment among children and adolescents (Khaninzadeh et al., 2023; Khurshid et al., 2022). Therefore, identifying the factors associated with marital conflict is essential for designing preventive and therapeutic interventions aimed at strengthening family relationships and reducing emotional distress among family members.

One of the most important variables associated with marital functioning is personality. Personality refers to relatively stable emotional, cognitive, and behavioral patterns that influence how individuals perceive, interpret, and respond to life experiences. Personality traits affect interpersonal communication, emotional regulation, coping strategies, and conflict resolution abilities (Sharifi et al., 2021; Tisu et al., 2020). Among the existing personality theories, the Five-Factor Model of Personality has received substantial empirical support. This model conceptualizes personality in terms of five broad dimensions: neuroticism, extraversion, openness to experience, agreeableness, and conscientiousness. These personality dimensions may influence marital interactions and determine how couples manage tensions and disagreements (Buelow & Cayton, 2020).

Previous studies have shown that neuroticism is generally associated with lower marital satisfaction and higher levels of conflict, while agreeableness and conscientiousness are linked with healthier marital relationships and better emotional adjustment (Golizadeh et al., 2019; Sayehmiri et al., 2020). Individuals high in neuroticism are more likely to experience emotional instability, anxiety, irritability, and negative affect, which may intensify conflicts and reduce effective communication. In contrast, agreeable individuals tend to display empathy, cooperation, tolerance, and emotional support, all of which contribute to constructive conflict management. Conscientious individuals are often responsible, organized, and committed to maintaining relational stability and fulfilling marital responsibilities (Abdollah Zadeh, 2023; Keshavarz & Alavi, 2023). Research has also emphasized the importance of emotional interactions and emotion regulation in marital relationships. Emotional responsiveness and healthy communication patterns play a critical role in preventing emotional divorce and relational dissatisfaction (Rezaei et al., 2023). Furthermore, emotion regulation has been identified as a mediating factor in the relationship between individual characteristics and marital conflict (Joqratian et al., 2026). Psychological abnormalities, maladaptive emotional interactions, and ineffective coping strategies may intensify marital tensions and emotional disengagement between spouses (Tabaghdehi

& Ghahderijani, 2025). Consequently, understanding the relationship between personality traits and marital conflict may provide useful insights for counselors and therapists working with couples.

Married university students constitute a particularly important group for investigating marital conflict because they often experience multiple stressors related to academic responsibilities, financial pressures, occupational concerns, and family obligations. These challenges may increase emotional strain and affect marital adjustment. Studies have indicated that occupational stress, psychological pressures, and lifestyle factors may significantly influence marital satisfaction and family functioning (Alirezaei et al., 2022; Mosavi, 2022). Therefore, examining the relationship between personality traits and marital conflict among married students may contribute to a deeper understanding of factors affecting marital quality in this population.

Despite the growing body of literature regarding personality and marital functioning, there is still a need for further research focusing specifically on married university students in different cultural contexts. Accordingly, the present study aimed to investigate the relationship between marital conflicts and the five major personality factors among married students of Islamic Azad University in Qom Province (Mesbahi et al., 2026; Zahedi, 2019).

Methods and Materials

The present study employed a descriptive-correlational research design. The statistical population consisted of all married students studying at Islamic Azad University in Qom Province. The total population included approximately 850 married students. The sample size was determined using Cochran's formula. Based on this calculation, 250 participants were required; however, considering the possibility of participant attrition, 270 individuals were selected through convenience sampling.

The inclusion criteria included willingness to participate in the study and being married at the time of data collection. The exclusion criteria involved incomplete questionnaire responses and withdrawal from participation during the research process. Participants were informed about the objectives of the study and confidentiality considerations prior to completing the questionnaires.

Two standardized instruments were used for data collection. Personality traits were assessed using the NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI), developed by McCrae and Costa. This instrument measures the five major personality dimensions: neuroticism, extraversion, openness to experience, agreeableness, and conscientiousness. The questionnaire consists of 60 items rated on a five-point Likert scale. Previous studies have demonstrated acceptable reliability and validity for this instrument.

Marital conflict was assessed using the Marital Conflict Questionnaire (MCQ-R), developed to evaluate different dimensions of marital conflict, including emotional reactions, reduction of cooperation, decreased emotional and sexual intimacy, increased involvement of relatives, and ineffective communication patterns. The instrument has demonstrated satisfactory psychometric properties in previous studies.

Data analysis was conducted using SPSS-24 software. Descriptive statistics, including means and standard deviations, were calculated for all variables. Pearson correlation coefficients were used to examine the relationships between personality traits and marital conflict. Hierarchical multivariate regression analysis was performed to determine the predictive role of personality traits in marital conflict.

Findings

The findings indicated that the mean scores for neuroticism, extraversion, openness, agreeableness, conscientiousness, and marital conflict demonstrated acceptable variability among participants. Reliability analysis showed satisfactory Cronbach's alpha coefficients for all research variables, indicating acceptable internal consistency of the measurement instruments.

Correlation analysis demonstrated that neuroticism had a positive and statistically significant relationship with marital conflict. In contrast, extraversion, agreeableness, and conscientiousness showed negative relationships

with marital conflict. Openness to experience did not demonstrate a statistically significant relationship with marital conflict.

The results of hierarchical multivariate regression analysis revealed that neuroticism significantly and positively predicted marital conflict. Individuals with higher levels of neuroticism reported greater marital tensions and conflicts. Agreeableness significantly and negatively predicted marital conflict, indicating that individuals with higher agreeableness experienced lower levels of marital conflict. Conscientiousness also negatively predicted marital conflict, suggesting that responsible and organized individuals reported healthier marital interactions and fewer relational tensions.

The final regression model explained approximately 40% of the variance in marital conflict, indicating that personality traits played a substantial role in predicting marital conflict among married students. Among the predictor variables, agreeableness demonstrated the strongest negative predictive effect, whereas neuroticism showed the strongest positive predictive effect on marital conflict.

Discussion and Conclusion

The findings of the present study demonstrated that personality traits play a significant role in marital conflict among married university students. Neuroticism emerged as a positive predictor of marital conflict, whereas agreeableness and conscientiousness acted as protective factors against relational tensions. These findings support the view that personality characteristics influence emotional regulation, communication patterns, coping strategies, and interpersonal interactions within marriage.

Individuals high in neuroticism are more likely to experience emotional instability, anxiety, irritability, and negative emotional reactions. Such characteristics may impair constructive communication and intensify marital disagreements. Neurotic individuals may perceive ordinary relational challenges as threatening and may respond impulsively or defensively during conflicts. Consequently, repeated emotional reactivity can gradually weaken marital satisfaction and increase chronic tensions within the relationship.

In contrast, agreeable individuals are generally empathetic, cooperative, forgiving, and emotionally supportive. These characteristics facilitate healthy communication and constructive conflict resolution. Agreeable spouses are more likely to prioritize mutual understanding and relational harmony, thereby reducing the likelihood of escalating disagreements. Similarly, conscientious individuals tend to be responsible, organized, and committed to maintaining relational stability. Their ability to regulate behavior and fulfill marital responsibilities contributes to healthier interpersonal dynamics and reduced conflict.

The findings also highlight the importance of emotional interactions and psychological adjustment in marital functioning. Marital relationships are influenced not only by situational stressors but also by enduring individual characteristics that shape emotional responses and interpersonal behavior. Therefore, identifying maladaptive personality patterns may help counselors and therapists develop more effective interventions for couples experiencing marital difficulties.

The present study contributes to the existing literature by examining personality traits and marital conflict among married university students, a population exposed to various academic, social, and financial stressors. The findings suggest that personality assessment may be valuable in premarital counseling, marital therapy, and educational programs aimed at improving marital quality and family functioning.

Overall, the study emphasizes that personality traits are important predictors of marital conflict and relational adjustment. Psychological interventions focusing on emotional regulation, communication skills, empathy enhancement, and conflict management may help reduce marital tensions and strengthen family relationships among couples.

References

- Abdollah Zadeh, H. (2023). *Investigating the Effects of Personality Traits on Marital Satisfaction of Couples in Damghan Tabriz University*.
- Alirezaei, N., MassahHagar, F., & Akrami, N. (2022). The Relationship between Work Ethics and Job Performance. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 2(11), 40-44.
- Buelow, M. T., & Cayton, C. (2020). Relationships between the big five personality characteristics and performance on behavioral decision making tasks. *Personality and individual differences*, 160(4), 109931. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.109931>
- Golizadeh, Z., Barzegar, L., Gharibi, H., & Babapor Kheiroddin, J. (2019). Investigating the Relationship between Five Personality Traits NEO-FFI and Marital Satisfaction. *Journal of Daneshvar Raftar*, 17(43), 57-66.
- Hawkins, D. N., & Booth, A. (2023). Unhappily Ever After: Effects of long-term, low-quality marriages on well-being. *Social Forces*, 84(1), 447-451. <https://doi.org/10.1353/sof.2005.0103>
- Hibel, L. C., & Mercado, E. (2020). Marital conflict predicts mother-to-infant adrenocortical transmission. *Child development*, 90(1), 80-95. <https://doi.org/10.1111/cdev.13010>
- Joqratian, D., Bolghan Abadi, M., & Esfahani, M. S. (2026). The Mediating Role of Emotion Regulation in the Relationship between Differentiation of Self and Marital Conflicts. *Journal of Child and Family Studies*, 35, 291-301. <https://doi.org/10.1007/s10826-025-03146-4>
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on Marital Satisfaction and Stability in the Challenging Conventional Wisdom. *Marriage and Family*, 82(3), 100-116. <https://doi.org/10.1111/jomf.12635>
- Kasapoglu, F., & Yabanigul, A. (2023). Marital satisfaction and life satisfaction: The mediating effect of spirituality. *Spiritual Psychology and Counseling*, 3(1), 177-195. <https://doi.org/10.37898/spc.2018.3.2.0048>
- Keshavarz, A., & Alavi, T. (2023). *The Relationship between Personality Characteristics and Marital Adaptation among Women and Men in Mashhad*. Family Research Institute.
- Khaninzadeh, Z., Rasouli, R., & Rezaeian, H. (2023). Lived Experience of Adolescent Children of Families with Marital Conflict in Iran. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 54(2), 86-114.
- Khurshid, S., Peng, Y., & Wang, Z. (2022). Respiratory sinus arrhythmia acts as a moderator of the relationship between parental marital conflict and adolescents' internalizing problems. *Frontiers in Neuroscience*, 13, 500. <https://doi.org/10.3389/fnins.2019.00500>
- Mesbahi, M., Ghazanfari, F., & Rezaei, F. (2026). Comparing the Effectiveness of Adlerian and Integrative Systemic Couple Therapy on Cognitive Flexibility, Adjustment, and Marital Relationship Quality in Couples with Marital Conflict. *Rooyesh-e-Ravanshenasi*, 15(1), 115-128.
- Mosavi, F. (2022). *The Study of Factors Affecting Marital Satisfaction in Three Groups of Doctors, Employees and Workers in Tehran Tarbiat Moallem University*. Tehran.
- Papp, L. M. (2021). Topics of marital conflict in everyday lives of empty nest couple and their implications for conflict resolution. *Journal of Couple and Relationship Therapy*, 17(1), 7-24. <https://doi.org/10.1080/15332691.2017.1302377>
- Rezaei, A. M., Mirzadeh, F., & Yaghoubi, E. (2023). Couples' Emotional Interactions and Their Role in Emotional Divorce and Divorce Action: A Qualitative Study. *Family Research*, 13(52), 585-604.
- Saffarinia, M., Adabdoost, F., Shahandeh, M., & Zare, H. (2022). Predicting Marital Burnout Based on Social Comparison and Couples' Exchange Style. *Rooyesh-e Ravanshenasi*, 11(2), 85-94.
- Sayehmiri, K., Kareem, K. I., Abdi, K., Dalvand, S., & Gheshlagh, R. G. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction: A systematic review and meta-analysis. *BMC psychology*, 8(15), 1-8. <https://doi.org/10.1186/s40359-020-0383-z>
- Sedagat, Z., & Mahdi Pour, N. (2024). *Factors Affecting Family Strength*. Shamlo.
- Sharifi, T., Asghari, F., Ghazanfari, A., & Ahmadi, R. (2021). Modeling the Effect of Personality Traits on Sport Motivation with the Mediation of Sport Commitment. *Razi Journal of Medical Sciences*, 28(3), 246-256.
- Sheikh Zeineddin, H., Farrokhi, N. A., & Abaspour Azar, Z. (2018). Mediating Role of Psychological Capital in the Relationship between Personality Features with Marital Adjustment in Students. *Journal of Applied Psychology*, 12(3), 439-462.
- Tabaghdehi, A. F., & Ghahderijani, N. S. (2025). Examining the Relationship Between Psychological Abnormalities and Emotional Interactions With Emotional Divorce With the Mediating Role of Religious Beliefs in Couples With Marital Conflicts. *Aftj*, 6(2), 105-115. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.6.2.11>
- Tisu, L., Lupsa, D., Virga, D., & Rusu, A. (2020). Personality characteristics, job performance and mental health: The mediating role of work engagement. *Personality and individual differences*, 153(8), 109644. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109644>

- Zahedi, M. (2019). The Effect of Compassion-Based Counseling on Marital Intimacy of Conflicted Couples. *Social Behavior Research and Health*, 3(2), 393-401. <https://doi.org/10.18502/sbrh.v3i2.1785>
- Zhang, C., & Liang, Y. (2023). The Impact of Education Level on Marital Satisfaction: Evidence from China. 7(1), 100478. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2023.100487>